

## تاریخ نویسی محلی دوره ناصری باتکیه بر شاخص‌های تاریخ محلی فارس

### رسول مظاهری

دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

[mazaheri9654@gmail.com](mailto:mazaheri9654@gmail.com)

### سهیلا ترابی فارسانی

دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)

[TFarsani@yahoo.com](mailto:TFarsani@yahoo.com)

### شکوه اعرابی هاشمی

استادیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

[sh.arabi@phu.iaun.ac](mailto:sh.arabi@phu.iaun.ac)

مجله علمی پژوهشی تاریخ- شماره ۵۹- زمستان ۹۹ صفحه ۱۴۵-۱۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۳

### چکیده

تاریخ‌نگاری محلی دوره قاجار، تحت تاثیر تحولات سیاسی-اجتماعی این دوره دگرگونی‌هایی یافت. علاوه بر طرح مباحث کلی تاریخ‌نگاری محلی در دوره ناصری در این راستا به شاخصه‌های کتب تاریخ محلی فارس در دوره ناصری پرداخته می‌شود و ضمن معرفی کتب تاریخ محلی دوره ناصری، شاخصه‌های سه اثر تاریخ محلی فارس (فارسنامه ناصری، نزهت‌الانبار و آثار عجم) را با چهار عنوان پیوند تاریخ و جغرافیا، نگرش ملی در تاریخ‌نگاری محلی فارس، نگرش مورخان نسبت به حکومت و تنوع منابع و بهره‌گیری از آثار اروپائیان مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف این پژوهش آن است که تاریخ‌های محلی فارس در دوران ناصری به چه شاخصه‌هایی دست یافتند و نویسندگان آنها به چه موضوعاتی توجه کردند. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی داده‌ها پرداخته است.

دست‌آورد این پژوهش حاکی از آن است که تاریخ‌های محلی فارس در این دوره در بیشتر شاخصه‌ها اشتراکات فراوانی دارند و بعضی از آنها مانند آثار عجم در بعضی شاخصه‌ها همچون نگرش به مسائل سیاسی و حکومتی و تاریخ‌نگاری محلی با نگرش ملی متمایز به نظر می‌رسد.

**کلید واژه:** تاریخ محلی، فارس، دوره ناصری، تاریخ‌نگاری

مقدمه

تاریخ‌نگاری وصف مکتوب احوال و اعمال انسان و آنچه بر او گذشته است محسوب می‌شود که مبتنی بر بینش و روش، مکتب و شیوه تنظیم و تدوین تاریخی است. در دوره قاجار تاریخ‌نگاری یکی از شاخصه‌های پرثمر ادبیات علمی ایران گردید. اساس تاریخ‌نویسی عصر قاجار بر ثبت وقایع و حوادث گوناگون و ترتیب زمان وقوع آنهاست. به عبارت دیگر گرایش به روایت‌گری و بهره‌گیری از نقل حوادث در اکثر کتب این دوره دیده می‌شود؛ اما ارتباط منطقی وقایع تاریخی و بیان علل و موجبات آن وقایع کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تاریخ‌نگاری در ابتدای دوران قاجار تاحدودی ادامه سنت‌های تاریخ‌نگاری پیشین بود. از نمونه‌های این نوع تاریخ‌نگاری می‌توان مشیت‌گرایی و جبرباوری، نثر متکلف و مصنوع، ثبت سرگذشت شاهان و جنگ‌ها، وقایع‌نگاری سیاسی، غلبه وجه توصیفی بر وجه تحلیلی و تعلیلی، بی‌توجهی به مستندسازی، وابستگی به منابع حکومتی و محدود بودن مخاطب اشاره کرد. ولی به تدریج از میانه حکومت قاجار با پیدایش شرایط و عوامل مناسب تغییر در عرضه تاریخ‌نگاری بوجود آمد. عواملی چون قوام و استحکام یافتن نثر فارسی بر اثر نهضت بازگشت ادبی، چرخش نگاه ایرانیان به خود، تاریخ خویش و تاریخ جهان در پی شکست‌های سنگین نیمه نخست قرن نوزدهم، برخورد ایرانیان با تمدن غرب، آشنایی آنان با آثار تاریخ‌نگاری اروپایی از طریق ترجمه این آثار، تاسیس مراکز آموزش نوین به ویژه دارالفنون و همچنین آشنایی ایرانیان با دستاوردهای علمی شرق شاهد نگارش نوع جدید از منابع تاریخ‌نگاری هستیم. تاریخ‌نگاری دوره قاجار دنباله‌رو تاریخ‌نگاری ایرانی، با بینش اسلامی است. این جریان اشکال مختلفی را به دنبال داشت. تاریخ‌های عمومی، تاریخ‌نگاری دودمانی یا سلسله‌ای، تک‌نگاری و سفرنامه‌نویسی از این نمونه است. (آدمیت، ۱۳۵۷: ۱۵۳-۱۵۱).

یکی دیگر از گونه‌های تاریخ‌نویسی ایرانی که در دوره قاجار به درجه بالایی از رشد و پیشرفت رسید، تاریخ‌نگاری محلی است. در واقع تاریخ‌نگاری محلی به ثبت و ضبط وقایع تاریخی در محدود یک محل (شهر، ایالت، ناحیه) اطلاق می‌گردد و به باور عده‌ای ذیل تاریخ‌های ملی قرار می‌گیرد. باید گفت که تاریخ محلی به رغم تمرکز جغرافیایی محدودش طیف گسترده‌ای از نیازها را پوشش می‌دهد. مورخ محلی به شهر و زندگی مردمان اطراف خود توجه دارد و نه سرگذشت حکومت‌ها. بدون شک وجه اصلی و مشخصه تاریخ محلی، پیوند آن با یک عرصه جغرافیایی محدود و مشخص است و عناصر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی یا اقتصادی همگی موخر بر عامل جغرافیایی واقع می‌شوند. (قنات، ۱۳۹۳: ۶؛ چلونگر و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۷).

ایالت فارس در دوره قاجار از نظر تاریخ نویسی محلی جایگاه خاصی پیدا کرد. این ایالت که در حد فاصل خوزستان و کرمان قرار دارد، خاستگاه دو سلسله هخامنشی و ساسانی می باشد. بنابراین ایالت فارس در کتاب های تاریخ محلی، در دوره اسلامی جایگاه خاصی دارد و در بعضی از این کتب (مانند فارسنامه ابن بلخی) مقدمه تاریخ فارس را از تاریخ پیشدادیان و کیانیان و سپس ساسانیان عنوان کرده اند. ایالت فارس و شهر شیراز چند تاریخ محلی دارد که تعدادی از آنها مانند مشیخه فارس ابوالحسن علی دیلمی (متوفای حوالی سال ۳۷۱ هـ.ق)، تاریخ شیراز از ابوالقاسم هبه الدین عبدالوارث بن علی شیرازی (متوفای ۴۸۵ هـ)، تاریخ فارس محمد بن عبدالعزیز شیرازی (متوفای ۶۶۴ ق)، تاریخ مشایخ صائن الدین حسین بن محمد سلیمان، مشیخ فارس شیخ ابوشجاع محمد بن سعدان (متوفای ۵۹۰ هـ) و طبقات اهل شیراز ابوعبدالله قصار، کتبی هستند که مفقود می باشند. اما کتبی چون فارسنامه ابن بلخی، شیرازنامه ابی زرکوب، شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار معین الدین ابوالقاسم جنید بن محمود و ترجمه فارسی آن از عیسی بن جنید تالیفاتی هستند که تا قبل از سلسله قاجار در دسترس می باشند. (رحیم لو، ۱۳۸۴: ۳)

در دوره قاجار تاریخ نویسی محلی از دو نظر مورد توجه قرار گرفت. نخست، تداوم سنت تاریخ نویسی محلی ایران در نزد مورخان محلی و اهتمام برخی از دودمان ها و خاندان های حکومتگر محلی به تاریخ نویسی محلی؛ دوم توجه قاجارها به تاریخ نویسی محلی، به ویژه در دوره ناصری و امتداد آن در دوره مشروطه. تاریخ نگاری محلی در دوره قاجاریه به ویژه از اواسط دوره ناصری تحت تاثیر شرایط جدید قرار گرفت و بر اساس افکار برآمده از آن، تاریخ نگاری محلی در مرز تحول قرار گرفت.

در این پژوهش به بررسی سه تالیف مربوط به ایالت فارس که در دوران ناصری نوشته شده، پرداخته می شود که عبارتند از: نزهت الاخبار خورموجی، فارسنامه میرزا حسن فسایی و آثار عجم فرصت الدوله شیرازی. ضروری است چندین اصطلاح متداول در تاریخ نگاری محلی که در این پژوهش مورد استفاده قرار می گیرد نام ببریم. تاریخ نگاری محلی طولی که به بررسی تاریخ یک شهر، روستا، محله و یا منطقه در ادوار تاریخی مختلف از بنیاد تا زمان مؤلف پرداخته می شود. نگاه مورخ در این سبک تاریخ نگاری بیشتر بر عنصر «زمان» دوخته شده است. او حوادث و اتفاقات محدود به یک شهر یا منطقه را در سیر زمان بازنمایی و بازگویی می کند. دیگر تاریخ نگاری محلی در عرض است و بیشتر توصیف پدیده های «دوران مولف» در حد و اندازه دید مستقیم و یاشنیده های بی واسطه است. در این روش نگاه مورخ جزئی نگر است و مسائل پیرامون را زیر ذره بین قرار می دهد.

تا از چگونگی ظهور و افول، رشد و نمو، تغییر و تحول، تداوم و انقطاع رویدادها و یا پدیده‌های جامعه اطلاع یابد و محدوده فعالیت مورخ محلی بیشتر اجتماعی و اقتصادی است، هر چند می‌تواند سیاسی هم باشد؛ اما تلاش بر آن است که زوایای ناپیدا و پنهان جامعه را نشان دهد و اهمیت وجودی آن‌ها و یا تأثیرات سوء آن‌ها را باز گوید. در این صورت، کاربری تاریخ‌نگاری محلی متفاوت است. (نورائی و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۴ و ۵۳).

در بررسی پیشینه پژوهش می‌توان به خیراندیش در مقاله «حاج میرزا حسن فسایی، فارسنامه ناصری و مساله اوقاف مدرسه منصوریه شیراز» (۱۳۷۹) و همچنین مقاله رحیم‌لو با عنوان «سیر تاریخ‌نگاری محلی ایالت فارس» (۱۳۸۴) اشاره کرد. علاوه بر آن می‌توان مقاله‌های نورائی در «تنوع موضوعات در تاریخ‌نگاری محلی دوره قاجار» (۱۳۹۰) و «جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی، تعاملات و تمایزات» (۱۳۹۰) را ذکر کرد. اما این پژوهش‌ها هر یک مباحث متفاوتی نسبت به موارد مورد بررسی این پژوهش دنبال کرده‌اند. در این پژوهش صرفاً پژوهش ایالت فارس در دوره ناصری و به لحاظ زمانی سال‌های ۱۳۱۱-۱۲۸۹ هـ ق مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین روش بررسی در این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی خواهد بود.

#### **ویژگی‌های تاریخ‌های محلی قاجار در دوران ناصری**

برای بررسی تاریخ نویسی محلی فارس در دوره ناصری اشاره‌ای به چگونگی تاریخ نویسی محلی در این دوران می‌شود. مناطق و شهرهای کاشان، کرمان، قم، تبریز، طبرستان و کردستان هر کدام دارای یک تالیف می‌باشند. همچنین یک اثر مربوط به شهر نگاری‌های کشوری است. خراسان و مشهد دارای دو تالیف و مناطقی همچون فارس و اصفهان هر کدام از سه تالیف بهره می‌برند. در جدول زیر این کتابها بر اساس زمان نگارش تنظیم شده است.

## تاریخ نویسی محلی دوره ناصری باتکیه بر شاخص های تاریخ محلی فارس

نام کتاب	حدود نگارش کتاب	نام نویسنده	انگیزه نویسنده	وسعت سطح نگارش	تاریخ نگاری طولی یا عرضی	پایگاه طبقاتی و شغل نویسنده
تاریخ کاشان	ناصرالدین شاه ۱۲۸۷ ق	عبدالرحیم کلانتر ضرابی	فرمان حاکم محلی	محلی	عرض	نویسنده
فارسنامه ناصری	ناصرالدین شاه ۱۲۸۹ ق	میرزا حسن حسینی فسایی	فرمان شاهی	محلی منطقه‌ای	طولی	بزرگان و متمولین طبابت
تاریخ کرمان	ناصرالدین شاه ۱۲۹۱ ق	احمد علی خان وزیری	؟	محلی	طولی	دربار پادشاهی (ملک داری و زراعتی)
مرات البدان	ناصرالدین شاه ۱۲۹۴ ق	اعتماد السلطنه	فرمان حکومتی	محلی منطقه‌ای جهانی	طولی	حکومتی (رئیس دارالترجمه وزیر انطباعات)
تاریخ دارالایمان قم	ناصرالدین شاه ۱۲۹۵ ق	محمد تقی بیگ ارباب	دولتی و علمی	محلی	عرضی	عالم (نویسنده) و زراعت
نزهت الاخبار	ناصرالدین شاه ۱۲۹۶ ق	میرزا جعفر خان خورموجی	اثر یادگاری (تشویق حاکم محلی)	محلی جهانی منطقه‌ای	طولی	حکومتی و دیوانی (تاریخ نگار)
آثار عجم	ناصرالدین شاه ۱۲۹۳-۱۳۱۱ ق	فرصت الدوله شیرازی	دولتی (علمی) تشویق دیگران	محلی	طولی	حکومتی (رئیس معارف و عدالیه)
مطلع الشمس	ناصرالدین شاه ۱۳۰۰ ق	محمد حسن خان اعتماد السلطنه	فرمان دولتی و علمی	محلی منطقه‌ای	عرضی	حکومتی (رئیس دارالترجمه وزیر انطباعات)
فردوس التواریخ	ناصرالدین شاه ۱۳۰۱ ق	نوروز علی بن محمد باقر (بسطامی)	علمی	محلی	طولی	علما (تدریس علوم مذهبی)
تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز	ناصرالدین شاه ۱۳۰۱ ق	نادر میرزا	سفارش شخصی و دولتی (انگیزه شخصی)	محلی	طولی	حکومتی (تنظیم امور مالی و حساب)
نصف جهان فی التعریف الاصفهان	ناصرالدین شاه ۱۳۰۲ ق	محمد مهدی ارباب اصفهانی	علمی شخصی (سفارش دوستان)	محلی منطقه‌ای	طولی	دانشمند و بازرگان
الاصفهان	ناصرالدین شاه ۱۳۰۳ ش	میرسید علی جناب	شخصی	محلی	عرض	دانشمند (نویسنده روزنامه نگار)

۱۳	جغرافیای اصفهان	ناصرالدین شاه ق ۱۳۰۸	میرزا حسین خان تحویلدار	فرمان حکومتی	محلّی	عرض	دولتی (حکومتی) تلگرافخانه
۱۴	التودین فی اخبار جبال شروین (تاریخ طبرستان)	ناصرالدین شاه ق ۱۳۱۲	محمدحسن خان اعتماد السلطنه	سیاسی و خوش آمد صدر اعظم	محلّی منطقه‌ای	طول	حکومتی (وزیر انطباعات و دارالترجمه)
۱۵	تحفه ناصری (تاریخ و جغرافیای کردستان)	ناصرالدین شاه ق ۱۳۱۹	میرزا شکرالله سنندجی	شخصی (جبران ایام گذشته)	محلّی	طولی	حکومتی و منشی‌گری

"تاریخ کاشان" (۱۲۸۷ ق) اثر عبدالرحیم کلانتر ضرابی است. او از فضایی کاشان (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۴۵۷) بود. وی این کتاب را در جواب پنجاه و چند سال فرستاده شده از مرکز به درخواست مانکجی صاحب<sup>۱</sup> نوشت. سوالات از وجه تسمیه و جغرافیای طبیعی شروع شده و به جغرافیای انسانی و اقتصادی می‌رسید. فارسی‌نامه ناصری توسط میرزا حسن فسایی، به نگارش درآمد این اثر تاریخی مفصل و کامل از فارس است که به تشویق مسعود میرزا ظل السلطان در سال ۱۲۸۹ ق انجام گرفت و پس از تقدیم به ناصرالدین شاه، وی دستور داد کتابی برای این ایالت نوشته شود.

<sup>۱</sup> مانکجی فرزند لیموجی ملقب به درویش فانی از خانواده‌های پارسی بود که در اوایل صفویه از ایران به هند مسافرت کردند او در ۱۲۳۰ ق در شهر سورات هند به دنیا آمد. در جوانی به خدمت ارتش انگلیسی هند در آمد و تحویلدار این ارتش گردید. چند سفر کوتاه به ایران داشت تا در رجب ۱۲۷۰ به نمایندگی «انجمن اکابر صاحبان پارسی بمبئی» به ایران آمد و سرپرستی و نظارت کل زرتشتیان ایران را به دست گرفت. او ۲۸ سال در ایران زندگی کرد و رابطه نزدیکی با دربار و بزرگان ایران داشت. از اقدامات مثبت او برای هم‌کیشان خویش آن بود که مالیات جزیه را از آنها برداشت. تمام منابع او را به داشتن صفات بخشندگی و مهربانی ستوده‌اند. او بسیار کتاب دوست بود و چندین کتاب نیز تألیف کرد از جمله «ظهار سیاحت ایران و جامعه مانک» وی سرانجام در ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۰۷ در تهران درگذشت. (شهمردان، ۱۳۶۳: ۶۱۷-۶۴۳) مفصل‌ترین زندگینامه او در همین کتاب «تاریخ زرتشتیان؛ فرزندان زرتشتی» آمده است. یکی دیگر از ایرانیان مقیم هند که شمس‌العلماء مولوی، محمد حسین آزاد باشد به سال ۱۳۰۰ ق به ایران آمده و سفرنامه کوتاهی از وی باقی مانده است. او درباره مانکجی آورد «در طهران یک نفر پارسی به نام مانکجی محقق بامروت و دیانت است که حمایت و معاونت هم‌کیشان خود را به عهده دارد. امور پارسیان مقیم ایران و هندوستان، خواه ناخواه به دربار ایران محول می‌شود. مانکجی کفیل امور پارسیان است و در اختلافات شخصی پارسیان نیز همه میانجیگری او را می‌پذیرند. او در آنجا دفتری نسبتاً خوب دارد و دو منشی جزو عمله او می‌باشند. ضمناً کار تألیف و تصنیف هم انجام می‌دهد. شاه ایران نسبت به او کمال مرحمت را مبذول می‌دارد. من اکثر با او ملاقات می‌کردم» (آزاد، ۱۳۶۹: ۴۷۲) ادوارد پروان در کتاب «یک سال در میان ایرانیان» بنا به مناسبتی از این شخص یاد کرد (پروان، ۱۳۸۴: ۳۳۹) سفیر پروس در ایران راجع به او عنوان می‌کند که در سال ۱۲۷۷ ق مانکجی از طرف دولت فرانسه به سمت کنسولی آن دولت در یزد منصوب شد (بروگش، ۱۳۸۹: ۱۸۲).

به همین منظور نام این کتاب "فارسنامه ناصری" انتخاب شد. (فسائی، ۱۳۷۸: ۲/ ۱۲۳۷). جلد اول این اثر گاه‌شماری فارس از صدر اسلام تا سال ۱۳۰۰ ق و جلد دوم به جغرافیای تاریخی و جغرافیای طبیعی فارس و ذکر آثار و ابنیه آن و نیز بلوکات آن خطه و ایلات و خصوصاً شهر شیراز پرداخته است. "تاریخ کرمان" (۱۲۹۱ ق) توسط احمد علی خان وزیر نوشته شد. وی تاریخ کرمان را قبل از اسلام شروع کرده و دوره اسلامی را تا روزگار خودش به نگارش درآورده است. بیشتر توجه به امور سیاسی و نظامی و حملات مختلف به کرمان سخن گفته و بر خلاف اجدادش وارد شغل دیوانی نشد و به ملک داری و امور زراعی پرداخت و توانست بی طرفی خود را حفظ کند. (وزیری، ۱۳۷۰: مقدمه)

مورخی که تاریخ نویسی را در آثارش در آستانه دگرگونی قرار داد اعتماد السلطنه بود وی به سمت وزیر انطباعات و دارالترجمه دولتی انتخاب شد. (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۹: ۱۱۸ - ۱۴۰ - ۲۰۳) و به مدت ۱۳ سال این منصب را برعهده داشت. تاریخ نویسی در دوره ناصری با حضور اعتماد السلطنه در دربار از موقعیت ویژه‌ای برخوردار شد. الگوی خاصی با ارسال پنجاه و چند سوال به ایلات فرستاده شد که مورخان محلی با پاسخ به این پرسش‌ها در نگارش تاریخ محلی اهتمام جویند. اغلب آثار دوره قاجاریه وجودشان مرهون اعتماد السلطنه و "مرات البلدان" (۱۲۹۴ق) می باشد. این کتاب ۴ جلدی و ناتمام به واقع دایره المعارف ایران و جهان است. در این اثر مشخصات شهرها و ولایت‌های مختلف ایران بر پایه حروف الفبا به نگارش درآمده و تا پایان حرف "ج" را در بر گرفت.

تاریخ "دارالایمان قم" (۱۲۹۵ق) که به وسیله محمدتقی بیگ ارباب برای شهر قم به نگارش درآمد از کتاب‌هایی است که وجودشان مرهون اعتماد السلطنه بود و نویسنده به آن اشاره کرده است (ارباب، ۱۳۵۳: ۷). این تالیف یک مقدمه دارد در مورد "احوالات هوای قم و آب آنجا" که در واقع جغرافیای طبیعی این منطقه است و ۱۸ باب دارد که جغرافیای انسانی آن را تشکیل داده است و هر یک به طور خلاصه تاریخچه شکل‌گیری شهر قنات‌ها، باغ‌ها، یخچال‌ها، آسیاب‌ها، بقعه‌ها، اصناف ایلات و مراتع و غیره را معرفی کرده است.

"نزهت‌الاحبار" تالیف دیگری بود که توسط میرزا جعفر خان خورموجی برای فارس به نگارش درآمد. این اثر یک کتاب جامع است که از هم پیوستگی جغرافیا و تاریخ، تصویر کاملی از منطقه فارس ارائه می دهد (خورموجی، ۱۳۸۰: ۶۴-۶۳) وی اطلاعات کلی درباره ایالت فارس و شهر شیراز، بلوکات و شهرهای تابعه، ایلات و عشایر، جزایر فارس، حکمرانان فارس قبل از اسلام تا

آغاز عصر صفوی، و همچنین تاریخ ایران با تکیه بر فارس از ابتدای صفویه تا میانه پادشاهی ناصرالدین شاه و در پایان زندگی نامه وزیران، عالمان و دانشمندان را به نگارش درآورده است. او مورخی است که گزارش حقیقت قتل امیرکبیر را بازتاب داد و نیز در ایجاد شکاف در تاریخ نویسی سنتی و زمینه سازی برای تحول آن نقش موثری ایفا نمود.

"آثار عجم" (۱۳۱۱-۱۲۹۳ق) نوشته فرصت الدوله شیرازی است که به درخواست مانکجی صاحب به نگارش درآمد. بخش نخست این کتاب دربردارنده مطالب مختصری درباره عرفا و شعرای عرب و دانشمندان و حکمای ایرانی و یونانی است و عمدتاً به معرفی آثار باستانی موجود در فارس می پردازد فرصت الدوله نخستین تاریخ نگار متجدد فارس است (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۱/۲).

"مطلع الشمس" (۱۳۰۰ق) اثر دیگر اعتماد السلطنه در تاریخ نگاری محلی است که دارای انگیزه علمی است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲: ۷) که با محوریت شهر مشهد می باشد و کتاب و در سه جلد است. جلد اول رفتن و جلد دوم مشهد و جلد سوم بازگشت آنها. اعتماد السلطنه از شهرهایی که در مسیر او بوده است توصیف دقیق علمی دارد و پس از اتمام جغرافیای طبیعی و انسانی مشهد و بلوکات آن به سراغ "تراجم احوال رجال مشهد" می رود که قسمت فرهنگنامه کتاب است (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲: ۲/۶۷۱).

اثر دیگری که در باب مشهد تالیف شد "فردوس التواریخ" (۱۳۰۱ق) است که نویسنده آن مشهور به فاضل بسطامی است و در مقدمه این اثر به طور اجمالی از خدمات امرا و وزرا و سلاطین، مخصوصاً پادشاهان قاجار یاد کرده است و محور اصلی مطالب پیرامون فضیلت "ارض اقدس" و همچنین از علما و محدثین و موقوفات مربوط به بارگاه امام رضا (ع) است (رجائی، ۱۳۹۲: ۳۶۴-۳۶۵؛ فاضل بسطامی، ۱۳۹۰: ۴۱۳).

کتاب "تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز" (۱۳۰۱ق) توسط شاهزاده نادر میرزا و به خواهش دوستانش به نگارش در آمد (نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۱۶) وی از پذیرفتن مناصب حکومتی امتناع کرد و به علم و دانش علاقه نشان داد. این اثر تاریخ اجتماعی تبریز به شمار می آید. نویسنده درباره موقعیت جغرافیایی، اقلیم، قنوات، جمعیت، محلات، حاکمان، دانشمندان، بناها و اماکن و عادات و محصولات شهر و مردم تبریز قلم فرسایی کرده است. نادر میرزا بسیاری از فاکتورهای تاریخ نگاری محلی نوین همچون تاریخ کشاورزی (توجه به پیشینه کشت و زرع در منطقه) تاریخ اوقات فراغت، تاریخ تغذیه و غیره را نیز مدنظر قرار داده است. (چلونگر، ۱۳۹۲: ۳۲). و از جمله آناری است که



در تحول تاریخ نویسی سنتی نقش مهمی ایفا کرد. سنجش منابع را در سرلوحه کار خود داشت و بخش از پژوهش او میدانی بود. تالیفش تاثیر پذیرفته از سبک بیهقی می باشد (بهار، ۱۳۴۹: ۳۹۶). اثر دیگری که در جهت تدوین مرات البلدان به نگارش درآمد "نصف جهان فی تعریف الاصفهان" (۱۳۰۲ ق) تالیف محمد مهدی ارباب اصفهانی است. وی در حوزه تاریخ سیاسی و اقتصادی در دوره قاجار مطالعه زیادی نموده است. او علاوه بر توجه به جغرافیای طبیعی و انسانی اصفهان ماجرای شرح سقوط اصفهان به دست افغان ها را شرح داده است و انجام یک کار عملی در سرلوحه کارش قرار داشته است. (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱).

تالیف دیگر این دوران کتاب "الاصفهان" (۱۳۰۳ ش) اثر میرسیدعلی جناب است. وی علاوه بر بررسی جغرافیایی قدیم و جدید اصفهان به مباحث تاریخی اجتماعی و اقتصادی شهر توجه دارد. او می نویسد به سبب سلطه شدید استبداد ملکی و دیانتی بر مردم شهر ".... متمولین به صورت فقرا زندگی میکنند" (جناب، ۱۳۷۱: ۱۱۹).

اثر دیگر در مورد اصفهان کتاب جغرافیای اصفهان (۱۳۰۸ ق) است که حاصل ۱۲ سال کار پیمایشی و میدانی میرزا حسین خان تحویلدار است. (رجایی، ۱۳۹۲: ۱۱۱) مولف تکیه اش را بر دو موضوع گذاشت اول بر جغرافیای طبیعی و دوم که توجه ویژه به آن عنایت داشته است توصیف انواع اصناف و مشاغل اصفهان این زمان می باشد که تمامی طبقات مردم شهر را در ۱۹۹ رده دسته بندی کرده و برای هر کدام توضیح داده است.

مورخ دیگر این زمان که به دیده انتقاد به تاریخ نگریست میرزا شکرالله سنندجی است. (سنندجی، ۱۳۶۶: ۲). کتاب وی به نام "تحفه ناصری" (۱۳۱۹ ق) است که شامل دو بخش جغرافیا و تاریخ کردستان است. گزارشات او از وضعیت اداری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کردستان بدین سبب اهمیت دارد که نویسنده در دستگاه اداری و دیوانی کردستان دارای مشاغل اداری و حکومتی بوده است. مطالب این کتاب اکثراً سیاسی می باشد.

مورخان تاریخ محلی عصر قاجار از ابتدا تا پایان دوره ناصری اغلب دارای مقام و منصب های حکومتی و سیاسی بودند. تعداد ۱۰ نفر از این مورخین، برخی رسماً تاریخ نویس دولتی بودند برخی از آنها از شاهزادگان محسوب می شدند و تقریباً خاستگاهی از منشی گری تا وزارت داشتند. تعداد ۶ نفر از آنان از جایگاه غیرحکومتی برخوردار بودند و خارج از حیطه دستگاه دربار و دولت به نگارش تاریخ می پرداختند. بنابراین ۱۰ نفر از این مورخین با انگیزه حکومتی و دولتی به نگارش دست دادند و چهار نفر از آنان انگیزه علمی و شخصی و یک نفر با انگیزه نامعلوم، دست به تالیف

آثار زدند. در مجموع تشویق حکومت قاجار در تالیف تاریخ های محلی موثر واقع بود. اغلب این مورخان، ادیب - مورخ سنتی بودند که از ابتدای حکومت قاجار تا میانه سلطنت ناصری به کارکرد سنتی تاریخ مبتنی بر عبرت گیری و تجربه آموزی و نقش تعلیمی آن توجه داشتند که گزارش های آنان از توصیه و روایت فراتر نرفت و علت یابی حوادث و رویدادها و نیز روابط درونی پدیده ها و حوادث در آنها دیده نمی شود.

مورخان این زمان به تاریخ نویسی طولی توجه داشتند که تعداد این آثار به ۱۰ مورد می رسد و بقیه آنها (۵ نفر) به تاریخ نگاری عرضی تمایل نشان دادند. اگرچه توجه به تاریخ محل با ۹ تالیف پیشتاز است ولی تعدادی از این مورخان حوادث منطقه ای را با محل خود در ارتباط می دیدند که تعداد آن ۴ اثر است و نیز ۲ تن از آنها به وقایع جهانی توجه داشتند.

در میان مورخان تاریخ محلی این عصر، البته معدودی نیز سعی نمودند با وجود وابستگی های اداری و شغلی، در این دیدگاه سنتی شکاف ایجاد کنند و علاوه بر آغاز زبان و سبک کما بیش ساده و روان، حیطه گزارش تاریخ را از صرف ربط آن با هیئت حاکمه و سیاست و جنگ، به موضوع ها و افق های دیگری نیز بسط دهند و بر تاریخ نویسی عرصه های جدید بگشایند و به کارکردهای اجتماعی و سیاسی تاریخ توجه نمایند. این مورخان نیز وابستگی شغلی و اداری به ساختار دولت داشتند، اما ضرورت های زمانه سبب گردید که کار آنان تا حدودی با کار پیشینیان، کار متفاوتی باشد. شمار اندکی از مورخان نیز از میانه دوره ناصری مانند خورموجی و اعتماد السلطنه و فرصت الدوله شیرازی آموزش های جدید دیدند و بر اثر آشنایی با زبانهای خارجی و اندیشه ها و مضمونهای جدید غربی، با انگیزه های خاصی به نگارش تاریخ روی آوردند و البته در گزارش تاریخ زبانی ساده و روان به کار گرفتند و دیدگاه های جدید تحقیقی و انتقادی در باب نگارش تاریخ از آنها دیده می شود. از این زمان به بعد، موضوع تاریخ با تحول و دگرگونی تدریجی همراه گردید.

#### شاخصه های تاریخ محلی فارس در دوره ناصری

سه اثر این زمان فارسنامه ناصری، نزهت الاخبار و آثار عجم می باشد. "فارسنامه" کتابی است تالیف میرزا حسن فسایی که در دو جلد به نگارش درآمد. جلد اول آن نوعی گاه شمار تاریخی فارس است از آغاز صدر اسلام تا سال ۱۳۰۰ ق و وقایع هر سال را به ترتیب نوشته، که در واقع تاریخ

عمومی فارس در دوره های مختلف تاریخ ایران پس از اسلام است و بخش قاجاریه آن مفصل می باشد. جلد دوم این اثر به جغرافیای طبیعی و جغرافیای تاریخی فارس و ذکر آثار و ابنیه آن و نیز بلوکات آن خطه و ایلات و خصوص شهر شیراز پرداخته است. (فسایی، ۱۳۷۸: ۱/ ۱۷۰-۱۷۱). از آنجا که فسایی به ویژگی های مختلف مکان ها توجه خاصی داشته، می توان بخش های از مطالب جلد دوم را "تک نگاری" خواند. اطلاعاتی که در مورد ایل ها و آثار تاریخی و باستان شناسی به دست می دهد بسیار ارزنده است. فارسنامه از نظر گستردگی اطلاعات اهمیت بسیار دارد.

کتاب "نزهت الاخبار" نوشته حاجی میرزا محمد جعفر خورموجی است که در تاریخ و جغرافیا و زندگی نامه رجال، دانشمندان و شاعران ایالت فارس می باشد و مشتمل بر هشت فصل می باشد. وی در ابتدا اطلاعاتی کلی در باب ایالت فارس و شهر شیراز، شرح بلوکات و شهرهای تابعه فارس، ایلات و عشایر ایران و جزایر فارس را ارائه می دهد و سپس تاریخ فارس و حکمرانان آنجا پس از اسلام تا آغاز عصر صفوی را دنبال می کند و در ادامه تاریخ ایران را با تکیه بر حوادث فارس از ابتدای سلسله صفویه تا میانه پادشاهی ناصرالدین شاه می نویسد. سپس زندگی نامه وزیران عالمان و دانشمندان و در انتهای این کتاب به احوال شاعران توجه شده است. وی تاریخ و جغرافیای فارس را با تکیه بر تاریخ ایران به نگارش در آورده است. مردم گرایی در گزارش تاریخ خردگرایی تحلیل و تعلیل حوادث، پافشاری بر حقایق تاریخی، نقد جسورانه رجال سیاسی انتقاد از سنت تاریخ نویسی و طرح موانع سیاسی اجتماعی تاریخ نویسی در ایران از ویژگی های تاریخ نویسی اوست (قدیمی قیداری، ۱۳۹۳: ۱۵۶-۱۶۸).

اثر دیگر این دوران "آثار عجم" می باشد که حاصل گزارش های سفر و یا انجام ماموریت هایی است که در سال های ۱۲۹۳، ۱۳۰۳، ۱۳۰۷ و ۱۳۱۱ ق توسط فرصت الدوله شیرازی انجام یافته است. بخش نخست کتاب ضمن آن که در بردارنده مطالب مختصری درباره عرفا و شعرای عرب و دانشمندان و حکمای ایرانی و یونانی از زمان قدیم است، عمدتاً به معرفی آثار باستانی موجود در فارس اختصاص یافته و آثار و ابنیه موجود در برخی مناطق دیگر را نیز به اختصار توضیح می دهد و هدف از این امر را نه اکتشاف آثار بلکه ثبت و ضبط آن اعلام می کند (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۴۳). بخش دوم که نویسنده آن را "شیرازنامه" نامیده شامل مطالبی درباره آثار ابنیه، محلات، دروازه ها، مساجد، مدارس مذهبی، بقاع، مزارات و شرح حال برخی از دانشمندان، فقها، ادبا، اطباء، صاحبان مشاغل، همچنین خوشنویسان، نقاشان ادارات و اهل صنعت شیراز است. در بخش آخر کتاب نیز سلاطین و حکام شیراز از زمان امویان - از سال ۷۴ هجری قمری - تا واپسین روزهای

سلطنت ناصرالدین شاه یعنی زمانی که فرصت‌الدوله کتاب را به رشته تحریر درآورده ( فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۹۶۷/۲-۹۸۱) نام برده شده اند.

ایالت فارس که از پشتوانه سیاسی ایران باستان برخوردار بود با گذر از قرن هشتم و نهم هجری ( و دو تاریخ محلی این زمان یعنی شیرازنامه و تذکره‌ی هزار مزار) به قرن سیزدهم وارد شد و این ایالت در دوره ناصرالدین شاه توانست از چند تالیف تاریخ محلی بهره برد. آنچه موجب توجه به آثار معرفی شده گردید این است که تالیف مزبور توانستند در زمینه ملی‌گرایی (باستان‌گرایی)، انتقاد از حکومت و مورخین، گسترده‌گی اطلاعات و بهره‌گیری از روش اروپاییان در سبک نگارش متفاوت از آثار دیگر شدند در این قسمت به بررسی شاخصه‌های تاریخ محلی فارس در دوران ناصری می‌پردازیم.

#### ۱- پیوند تاریخ و جغرافیا

می‌توان گفت یکی از دلایل گسترش کمی و کیفی کتاب‌های تاریخ محلی رشد دانش جغرافیا بود که با تاسیس دارالفنون و ارتباط بیشتر ایرانیان با آثار اروپاییان در زمینه جغرافیا رشد صعودی داشت و در این میان نقش اعتماد السلطنه موثر بود. وی در آثار خویش جغرافیا را بستر حوادث می‌دانست و در آثار تاریخی محلی‌اش بر این موضوع تاکید کرده است. «تاریخ را به جغرافیا الحاق و جغرافیا را به تاریخ الصاق نمودم و گمانم این است که این خدمت بزرگی است که به ملت و دولت ایران کرده باشم». (اعتماد السلطنه ۱۳۶۷: ۶/۱)

نزهت‌الاکخبار خورموجی تحت تاثیر همین اندیشه چهار قسمت از کتابش را به جغرافیا و چهار قسمت دیگر آن را به تاریخ فارس اختصاص داده است. می‌توان گفت این اثر تاریخ ایران با تاکید بر جغرافیا و تاریخ فارس است. این اثر با جغرافیای فارس شروع شده و همه مناطق آن را که شامل جزایر خلیج فارس نیز می‌شود پوشش می‌دهد. وی ابتدا به وضعیت جغرافیایی و طبیعی شهرها و قصبه‌های بزرگ توجه می‌کند و سپس به تاریخ سیاسی آن می‌پردازد. میرزا حسن فسایی در فارسنامه به جغرافیای طبیعی فارس و ذکر آثار و ابنیه آن و نیز بلوکات آن منطقه و ایلات و به خصوص شهر شیراز توجه داشته است. (فسایی، ۱۳۷۸: ۱۷۰/۱-۱۷۱). افضل‌الملک می‌نویسد: «کاش در هر یک از ولایات ایران یک نفر چنین ژغرافی‌دان رجال‌نویس پیدا شود که در هر دوره‌ای شرح ولایت و مملکت خود را بنگارد که مردم ایران ترقی کنند و به علم پردازند». (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۳۷۱). همچنین آثار عجم که حاصل سفرهای فرصت‌الدوله از سال‌های ۱۲۹۳ ق تا ۱۳۱۱ ق

به تمامی مناطق فارس است، تاریخ و جغرافیای آن شهرها و مناطق را آورده و سپس یادی از بزرگان شعر و ادب آن جا داشته و بعد می نویسد: «آن را موسوم نمودم به آثار عجم» (فرصت الدوله، ۱۳۷۷: ۲/۱).

بنابراین هر سه تالیف در راستای اندیشه پیوند تاریخ و جغرافیا گام برداشته اند و خورموجی اثر خود را با تکیه بر تاریخ و جغرافیای فارس، به تاریخ ایران نیز تعمیم داده است و فارسنامه ناصری و آثار عجم علاوه بر تاریخ محلی خویش تاریخ و جغرافیای منطقه را مورد نظر قرار داده اند.

### ۲- تنوع منابع و بهره گیری از آثار اروپاییان

خورموجی علاوه بر مطالعه کتاب های مورخان ایرانی، با آثار تاریخی و جغرافیایی اروپایی که در دوره ناصری ترجمه شده بود، آشنایی داشت و ضمن استفاده از منابع گوناگون و معتبر در نگارش تاریخ خود به نقد و سنجش منابع نیز پرداخته است. وی از منابع دوره قاجار فقط مآثرسلطانیه عبدالرزاق دنبلی و تاریخ ذوالقرنین فضل الله خاوری را صحیح معتبر و درخور استناد دانسته و در مورد بقیه منابع نوشته است: «سایر اشهد بالله، مانند قصاید و مدایح شاعرانه است» (آل داوود، ۱۳۸۴: ۴۹۲).

میرزا حسن فسایی نیز از منابع فراوان و معتبر استفاده کرده است. وی توجه خاصی به سنت شفاهی نشان داده، تا جایی که او به ویژه در داده های مربوط به ایلات و عشایر، متکی «بر مشهودات و اسناد و منقولات مطلعان» است و توجه به توده مردم و «اشخاص درجه دو و سه جامعه» (فسایی، ۱۳۷۸: مقدمه/ ۳۷) دارد که اساس وقایع اجتماعی و اقتصادی جامعه هستند. او همچنین از پژوهش های اروپاییان در مورد تخت جمشید و کتیبه داریوش سود برده و نتایج مطالعات آنها را که به فارسی در آمده بود به صورت کامل در کتاب خویش معرفی کرده است. (فسایی، ۱۳۷۸: ۲/۱۵۳۰-۱۵۵۰). البته به رغم آشنایی با تحقیقات اروپاییان، وی قبر کوروش در پاسارگاد را مشهد ام نبی ذکر کرده است. (همان: ۱۵۵۸).

فرصت الدوله در آثار عجم علاوه بر استفاده فراوان از منابع از کتب سیاحان و فرستادگان سیاسی دولت های اروپایی که قبل از او در ایران آمده اند استفاده نموده است. وی همچنین بسیاری از ابنیه و آثار را نقاشی و به تصویر در آورده است که بعضی از آنها مانند "آتشکده آذرجو" هم اکنون در دست نیست. (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۱/۱۶۹). علاوه بر شنیده ها و مشاهدات شخصی فرصت الدوله

بسیاری از کتیبه‌ها همچون بیستون و تخت جمشید و غیره را خط به خط ترجمه و عیناً در متن کتاب آورده است او در این زمینه به تحقیقات "اشپیگل" پیرامون زبان‌شناسی اشاره کرده است (همان: ۱۴۳-۱۴۴). و همچنین به فراگیری خط پهلوی از تالیف کتاب شخصی، "اهل یورپ" (مستر بلگمن) سخن گفته است. (همان: ۱۴۸-۱۴۹).

بنابراین خورموجی، فسایی و فرصت‌الدوله مورخی هستند که از منابع ایرانی و اروپایی بهره برده اند. در این بین فرصت‌الدوله تسلط بیشتری نسبت به منابع اروپایی و به کارگیری آن ارائه نموده است و خورموجی مورخی است که در گزارش‌های خود تعلیل و تحلیل و نقد و ارزیابی منابع را مورد توجه قرار داده است. در صورتی که فسایی و فرصت‌الدوله بیشتر به نقل و روایت بسنده کرده‌اند و سنت شفاهی و مشاهدات شخصی از جمله منابع آنها می‌باشد.

### ۳- نگرش مورخان نسبت به حکومت

خورموجی زمانی به نگارش نزهت‌الخبار دست زد که از تعلقات دیوانی و درباری بریده بود و از آزادی فکری بیشتری برخوردار بود. بازتاب گزارش قتل امیرکبیر، حوادث مربوط به باب و بایه از جمله موضوعاتی است که خورموجی بدان توجه نموده است و از مورخان چاپلوس به زشتی یاد کرده است. او می‌نویسد: «مورخ و مولف بیچاره لابد و لاعلاج از این عمل است زیرا که یا مزدور است یا مجبور...» (خورموجی، ۱۳۸۰: ۱۴۰) وی همچنین تاریخ فارس و حکمرانان آنجا پس از اسلام را تا میانه پادشاهی ناصرالدین شاه دنبال کرده است. او ستاینده نادر شاه و کریم خان زند است. «... به طور انصاف و حقیقت سلسله افشاریه و زندیه را سلاطین می‌خوانند، محض غلط است، در این دو طبقه، سلطان منحصر به دو شخص است، نادر که وجودش سرافرازی و مفاخرت و وکیل که شخصش سبب آسایش و راحتی اهالی بود. باقی نزد ما شاه‌بازی اطفال دبستان است.» (همان: ۴۷۱)

در مورد صفویان ضمن انتقاد از مورخان که احوال آنان را غیر واقعی جلوه دادند، می‌گوید به جز شاه طهماسب اول و شاه سلطان حسین، سایر آنها «در قطع صلح ارحام و قتل پسر و برادر و شرب ظاهر و فسق و فجور... صفحه‌ای نیست از کتاب که تفصیل لهو و شراب و ساقیان... ذکر نشده باشد.» (خورموجی، ۱۳۸۰: ۲۱۴). وی از طرح چنین مسائلی به صورت کنایه‌آمیز، ناصرالدین شاه را مانند پادشاهان صفویه می‌داند که شراب‌خوار است (همان: ۲۱۴-۲۱۵).

میرزا حسن فسایی حوادث مربوط به فارس را از آغاز صدر اسلام تا سال ۱۳۰۰ق به صورت سالشمار ذکر کرده است و به نظر می‌رسد حسن عنایت چندانی به نادرشاه ندارد. چون بنا بر اسنادی که ارائه داده است اداره موقوفات مدرسه منصوریه شیراز که در دست خاندانش قرار داشته، تا زمان نادرشاه این موقوفات برقرار بود و از آن به بعد است که از دست رفته و به دیوان املاک ضمیمه شده است.

فرصت‌الدوله در مواجهه با حاکمیت خاندان قوام در زمان بیگریگی حبیب‌الله خان قوام (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۷۸/۱) به تعریف و تمجید از وی و دیگر قوامی‌ها پرداخته است و مطلب دیگری از او به چشم نمی‌خورد. به همین دلیل فرصت‌الدوله اطلاعاتی درباره وضعیت شیراز در زمان قدرت قوامی‌ها ارائه نمی‌دهد. بنابراین باید گفت تنها خورموجی است که مسائل سیاسی و حکومتی را مطرح می‌کند و از آن انتقاد می‌کند و میرزا حسن فسائی و فرصت‌الدوله نسبت به این موضوع واکنش چندانی ندارند.

#### ۴- نگرش ملی در تاریخ نگاری محلی فارس

در این زمینه تالیف میرزا حسن فسایی از دو جهت مورد توجه قرار می‌گیرد. اول این که وی توانست به خوبی رابطه دقیقی میان وقایع درست تاریخ ملی ایران با وجود تاریخ محلی فارس ایجاد کند، و این رابطه را مشخص و معلوم سازد به عنوان نمونه در جلد اول فسایی به جنگ‌های ایران و روس و اوضاع ایالت‌های مختلف ایران در عهد قاجاریه اشاره کرده است. دوم با ترجمه کتاب‌های تاریخی اروپاییان، برآمدن اکتشافات باستان‌شناسی، رمزگشایی زبان‌ها و خطوط باستانی توجه به گذشته تاریخی ملت‌ها بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. ایالت فارس که سابقه شکوه ایران باستان را در کارنامه خود داشت توسط مورخین تاریخ محلی این دوران مورد توجه قرار گرفت و کسانی مانند فسایی از پژوهش‌های اروپاییان در مورد تخت جمشید و کتیبه داریوش در تالیف خود سود جستند و اندیشه‌های ملی‌گرایی باستان‌گرایانه را بازتاب دادند.

خورموجی نیز در قسمت ششم کتاب زهت‌الآخبار، تاریخ ایران را با تکیه بر حوادث فارس از ابتدای سلسله صفویه تا میانه پادشاهی ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۸ ق دنبال کرده است و وقایع و مسائل ملی و حتی جهانی را مورد توجه قرار داده است. به نظر می‌رسد توجه او به تاریخ ملی می‌توانست از خستگی خواننده در هنگام مطالعه جلوگیری نماید و همچنین وقایع مهجور تاریخ

فارس را قربانی وقایع معروف تاریخ ایران نماید ( خیراندیش، ۱۳۷۹: ۱۶). ستایش نادر شاه و کریم خان زند و انتقاد از مورخانی که به ستایش صفویه پرداختند، نمونه های از توجه او به تاریخ ملی می باشد.

فرصت الدوله نیز از مورخینی بود که اندیشه های ملی گرایی باستان گرایانه در ترجمه های او از خطوط میخی و پهلوی آشکار شد. وی از آثار اروپاییان بهره گرفت. فرصت الدوله در مورد نقوش و کتیبه های تخت جمشید به تفصیل سخن گفته است. ترجمه کتیبه بیستون و پرداخته شدن به آن در آثار عجم از ویژگی های بارز این تالیف می باشد. او عمدتاً به معرفی آثار باستانی موجود در فارس پرداخته است و آثار و ابنیه موجود در مناطق دیگر از جمله بوشهر، خوزستان، کرمانشاه، همدان، مازندران، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و اردبیل را نیز به اختصار توضیح می دهد ( فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۹۶/۱-۱۰۰).

می توان گفت وسعت نگارش در سطح ملی بیان اندیشه های ملی گرایی باستان گرایانه در نزد میرزا حسن فسایی به چشم می خورد و خورموجی نیز توانست، تالیف خود را همچون فارسنامه در سطح ملی ارتقا بخشد. فرصت الدوله اگرچه سطح تالیفش تا حدودی در سطح ملی قرار گرفت، ولی آنچه او را از فسایی و خورموجی ممتاز کرد، ارائه مطالب مفصل تر از ایران باستان بود. در مجموع این مورخین کوشیدند، عشق به میهن، افتخار به گذشته تاریخی باشکوه و اهمیت به حدود جغرافیای ملی خویش را در آثار خود بازتاب دهند.

### نتیجه گیری

تحولات عصر ناصری، بینش و روش مورخان دوره قاجار را تا حدودی دگرگون ساخت. تاریخ نگاران محلی از این تغییر و تحول بی نصیب نماندند. بینش مورخان نیز طبعاً تحت تاثیر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوران قرار گرفت. آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت، بررسی شاخه های سه اثر تاریخ محلی در ایالت فارس در بازه زمانی دوره ناصری بود. انگیزه نگارش این آثار عمدتاً حکومتی و تاریخ نویسی آنها رسمی محسوب می شود. در این پژوهش چهار شاخصه پیوند تاریخ و جغرافیا، تنوع منابع و بهره گیری از آثار اروپائیان، نگرش مورخان نسبت به حکومت و نگرش ملی در تاریخ نگاری محلی فارس مورد بررسی قرار گرفت. نزهت الاخبار از لحاظ انتقادی به تاریخ و تاریخ نویسی و روش انتقادی در بهره گیری از منابع تاریخی بر فارسنامه



ناصری و آثار عجم برتری دارد. فارسنامه ناصری و نزهت الاخبار دارای نگرش ملی در تالیفات می باشند ولی آثار عجم از این میزان بهره کمی برده است. اندیشه های ملی گرایانه باستان گرایانه در فارسنامه ناصری و مخصوصا آثار عجم نمود بیشتری دارد. هر سه اثر به خوبی در ترکیب تاریخ و جغرافیا موفق عمل کرده اند و توجه به اوضاع طبیعی و اقلیمی و بلوکات دارند. در نگرش به مسائل سیاسی نزهت الاخبار در صدر و فارسنامه ناصری در مرتبه دوم قرار می گیرد و آثار عجم توجه چندانی به مسائل سیاسی، ندارد. اگرچه سه تالیف با تحقیقات اروپائی آشنا هستند ولی نویسنده آثار عجم آشنا به خطوط باستانی (میخی پهلوی) می باشد و همچنین توانسته است آثار و ابنیه تاریخی و باستانی را مستند به تصویر کند که نزهت الاخبار و فارسنامه از آن بی بهره اند.

### منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۷)، اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی، تهران، خوارزمی.
- آرباب، محمدتقی بیگ (۱۳۵۳)، تاریخ دارالایمان قم، به کوشش مدرسی طباطبایی، قم، چاپ حکمت.
- الاصفهانی، محمدمهدی (۱۳۶۸)، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران، امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۲)، مطلع الشمس با مقدمه تیمور برهان لیموده، جلد ۱ و ۲، تهران، فرهنگسرا.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷)، مرآت البلدان، تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۹)، روزنامه خاطرات، مقدمه و فهارس ایرج افشار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- افضل الملک، غلامحسین (۱۳۶۱)، افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران.
- آزاد، محمدحسین (۱۳۶۹)، سیر ایران، ترجمه عارف نوشاهی، آینده سال ۱۶، شماره های ۱-۴، فروردین-تیر ۱۳۶۹، صص ۸۸-۹۳ و شماره های بعدی ۴۷۰-۴۷۹.
- آل داود، سیدعلی (۱۳۸۴)، روش تاریخ نگاری حقایق نگار خورموجی، نامه فرهنگستان، دوره ۷، ش ۲، (مسلسل ۲۶).

- براون، ادوارد (۱۳۸۴)، یک‌سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی، علامه، تهران، اختران.
- بروگش، هنریش (۱۳۸۹)، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه مهندس محمدحسین کردبیچه، تهران، اطلاعات.
- بهار، محمد تقی (۱۳۴۹)، سبک شناسی، تهران، کتاب‌های پرستو.
- جناب، میرسیدعلی (۱۳۷۱)، الاصفهان، به اهتمام عباس نصر، اصفهان، گلها.
- چلونگر، محمد علی؛ حسینی، سجاد (۱۳۹۲)، تاریخ‌نگاری نادر میرزا قاجار، پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، سال پنجم، ش سوم.
- خورموجی، میرزا جعفرخان (۱۳۸۰)، زهت‌الخبار، تصحیح سید علی آل داود، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۷۹)، حاج میرزا حسن فسایی، فارسنامه ناصری و مسئله اوقاف مدرسه منصوریه شیراز، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دی ماه، شماره ۳۹، ص ۱۳-۱۷.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۹۲) شهرنگاری‌های عصر قاجار، جهاد دانشگاهی اصفهان.
- رحیم‌لو، یوسف (۱۳۸۴) سیر تاریخ‌نگاری محلی ایالت فارس، مجله علمی-پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، شماره ۴۰، صص ۱-۱۲.
- سندجی، میرزا شکرالله (۱۳۶۶)، تحفه ناصری، تصحیح حشمت الله طیبی، تهران، امیرکبیر.
- شهمردان، رشید (۱۳۶۳)، تاریخ زرتشتیان، فرزندگان زرتشتی، تهران، سازمان انتشارات فروهر.
- شیرازی، فرصت‌الدوله (۱۳۷۷)، آثار عجم، تصحیح منصور رستگار فسایی، ۲ جلد، تهران، امیر کبیر.
- فاضل بسطامی، نوروز علی (۱۳۹۰)، فردوس التواریخ، تاریخ ارض اقدس رضوی، تحقیق و تصحیح علیرضا اکبری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- فسایی، حاج میرزا حسن (۱۳۷۸)، فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، ۲ جلد، تهران، امیرکبیر.
- قدیمی قیداری، عباس (۱۳۹۳)، تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- قنوت، عبدالرحیم (۱۳۹۳)، تداوم و تحول تاریخ‌نویسی در ایران عصر قاجار، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- کلانترضرابی، عبدالرحیم (۱۳۵۶)، تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، تهران، فرهنگ ایران زمین.

## تاریخ نویسی محلی دوره ناصری باتکیه بر شاخص های تاریخ محلی فارس

---

نادر میرزا (۱۳۷۳)، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز، انتشارات ستوده.

نورائی، مرتضی (۱۳۹۰)، جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی، تعاملات و تمایزات، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶۳، ص ۲-۷.

نورائی، مرتضی؛ رجایی، عبدالمهدی (۱۳۹۰)، تنوع موضوعات در تاریخ نگاری محلی؛ دوره تحقیق قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق/ ۱۷۹۶-۱۹۲۶م)، پژوهش های تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی- دانشگاه اصفهان، دوره جدید، سال سوم، شماره چهارم (پیاپی ۱۲)، زمستان، ص ۵۱-۷۲.

وزیری، احمد علی خان (۱۳۷۰)، تاریخ کرمان، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، علمی.